راهکارهایی برای مقابله با کار کودک

کار کودک در طول تاریخ به درجات مختلفی وجود داشته است، اما با تغییر جوامع و شرایط کار و ظهور مفاهیم حقوق کودکان، امروز از پدیده کودکان کار به عنوان تراژدی جهان معاصر یاد می‌شود؛ این تراژدی جوامع توسعه یافته و در حال توسعه را به یک اندازه به خود مشغول کرده است.

این موضوع نسبتا پیچیده است و عوامل گوناگونی در بروز آن اثرگذار است که از جمله این عوامل می‌توان به ساختار خانواده، فقر، تغییرات اقتصادی ناگهانی ناشی از جنگ که منجر به مهاجرت می‌شود، هزینه تحصیل، نظام آموزشی نادرست و غیره اشاره کرد. اما آنچه پدیده کودکان کار را به یکی از موضوعات چالش‌برانگیز و حساس در جوامع تبدیل می‌کند، نقش آن‌ها در تداوم چرخه فقر و آسیب‌های اجتماعی است، به طوری که کار کودکان می‌تواند نشانی از «فقر جاری» بوده و در عین حال یکی از عوامل پدیدآورنده «فقر آتی» باشد.

کودکانی که به علل و عوامل ناخواسته اجتماعی، خانوادگی، فرهنگی و اقتصادی مجبور به ورود زودهنگام به دنیای بزرگسالی هستند در معرض مخاطرات متعددی قرار دارند. آن‌ها از یکسو در شرایط بسیار نامطلوب به سر می‌برند و از سوی دیگر می‌توانند به راحتی بازیچه دست بزهکاران حرفه‌ای اعم از سارقین یا باندهای توزیع مواد مخدر و عوامل ایجاد خانه‌های فساد قرارگیرند. همچنین عدم بهره‌گیری از آموزش و تحصیل، قدرت رقابت با سایر کودکان در ایجاد یک زندگی سالم را از این کودکان سلب و آینده پیش روی آن‌ها را تیره و تار می‌سازد. به این ترتیب تلاش‌های جهانی برای کاهش و توقف کار کودک از سالیان پیش آغاز و در قوانین و مقررات بین‌المللی کار کودکان ممنوع اعلام شده است، اما از منظری دیگر جنبه اجبار به کسب درآمد و تأمین معاش برای کودکان را نیز باید در نظر گرفت. از همین رو پرسش‌هایی به ذهن خطور می‌کند؛ نخست آن که کودک تحت چه شرایطی مجبور به کار کردن است و چه عواملی در تعیین نوع کار وی دخالت دارند؟

دلایل کار کودک

اگرچه در اغلب مطالعات، فقر عامل اصلی کار کودک معرفی شده، اما به نظر می‌رسد این مشکل اجتماعی در جوامع مرفه نیز (هرچقدر هم کم و ناچیز) وجود دارد. دلایل کار کودک از دو جنبه عرضه و تقاضا قابل بررسی است. در بخش عرضه تمام مطالعات و پژوهش‌های انجام شده فقر را عامل اصلی می‌دانند. در بین عوامل مربوط به تقاضا، خانواده‌های کودکان کار مهم‌ترین نقش را به ویژه در جوامع روستایی ایفا می‌کنند. عوامل مربوط به عرضه شامل فقر، وضعیت معیشتی خانواده، بیماری، بیکاری، جنگ، وام و بدهی خانواده، توزیع نادرست درآمد و نابرابری است و عوامل مربوط به تقاضا را ساختار بازار کار، سود کارفرمایان و دستمزدهای کمتر دربرمی‌گیرد.

سازمان بین‌المللی کار، از دیدگاهی جامع‌تر، دلایل کار کودک را به سه دسته «بی‌واسطه»، «نهفته» و «ساختاری» تقسیم کرده است. کمبود یا نداشتن پول یا غذا، افزایش قیمت کالاهای اساسی، مقروض بودن خانواده‌ها، شوک‌های خانوادگی همچون مرگ یا بیماری سرپرست خانواده، کمبود برداشت محصول، نبود مدرسه یا وجود مدارسی با سطح کیفی پایین و ضعیف یا مواد درسی نامربوط، تقاضا برای کارگر ارزان در کارگاه‌های کوچک غیررسمی و عدم توازن کسب و کار از «دلایل بی‌واسطه» به شمار می‌رود و از هم پاشیدگی خانواده‌های گسترده و سیستم‌های حمایت اجتماعی غیررسمی، والدین تحصیل نکرده یا کم سواد، نرخ باروری بالا، انتظارات فرهنگی از کودکان درباره کار و آموزش، دیدگاه‌های تبعیض‌آمیز براساس جنسیت، طبقه، طرز تلقی از فقر، آرزو برای مصرف کالا و استانداردهای زندگی بهتر، احساس فشار کودکان از سوی خانواده‌هایشان و افراد فقیر از سوی ثروتمندان به عنوان «دلایل نهفته» شناخته می‌شود. کاهش درآمد ملی، نابرابری و وضعیت نامطلوب کسب و کار، شوک‌های اجتماعی مانند جنگ، بحران‌های مالی و اقتصادی، مهاجرت، تعهدات سیاسی یا مالی ناکافی برای آموزش خدمات اساسی و حمایت اجتماعی، حکمرانی بد و ضعیف، محرومیت اجتماعی گروه‌های حاشیه‌ای، و کمبود قانونمندی یا عدم تقویت مؤثر آن از «دلایل ساختاری» است.

شرایط کار کودکان و نوجوانان

امروزه چالش کار کودک همچنان در بسیاری از کشورهای جهان معضلی دامنه‌دار است. جدا از مقوله حمایت اقتصادی و رفع مشکلات مالی در جامعه برای فائق آمدن بر این چالش، وجود قوانین حمایتی نیز نقش مهمی در مبارزه با پدیده کار کودک ایفا می‌کند. اگرچه در قانون اساسی به طور مستقیم و صریح به حقوق کودکان و زیرمجموعه‌های مربوط به آن، به ویژه حقوق مرتبط با کودکان کار اشاره‌ای نشده، اما در دو اصل، به طور ضمنی، بر نقش عوامل تأثیرگذار در محو کار کودک تأکید شده است. این دو عامل شامل حق بهره‌مندی از آموزش و پرورش رایگان و ممنوعیت کار اجباری و بهره‌کشی است.

در بند سوم اصل ۳ قانون اساسی، حق آموزش و پرورش رایگان و در دسترس برای تمام افراد جامعه شناسایی شده و فراهم آوردن آن جزو وظایف دولت قرار داده شده است. همچنین بند چهارم اصل ۴۳ نیز با شناسایی حق انتخاب آزاد شغل، کار اجباری و بهره‌کشی از انسان‌ها را ممنوع دانسته و اقتصاد را بر این ضوابط استوار کرده است.

برپایه قانون کار، کودکِ بین پانزده تا هجده سال کارگر نوجوان به شمار می‌آید و قوانین مندرج در ماده ۷۹ و ماده ۸۴ قانون کار درباره کارگر نوجوان لازم‌الاجراست. در این مواد قانونی آمده است که به کار گماردن افراد کمتر از پانزده سال تمام ممنوع است. کارگری که سنش بین پانزده تا هجده سال تمام باشد، کارگر نوجوان نامیده می‌شود و در بدو استخدام باید تمامی آزمایش‌های پزشکی مورد تأیید سازمان تأمین اجتماعی را انجام دهد.

کار کودکان در قوانین

مطابق کنوانسیون جهانی حقوق کودک، هر فرد زیر هجده سال کودک محسوب می‌شود، اما با توجه به این که ایران با شروطی این کنوانسیون را امضا کرده است، حدود سن کودکی براساس قوانین شرع مشخص شده و برپایه آن، کودک به فردی گفته می‌شود که به سن بلوغ نرسیده است.

در تبصره یک ماده ۱۲۱۰، سن بلوغ در پسر پانزده سال تمام قمری و در دختر ۹ سال تمام قمری تعیین شده است. قوانین کار مربوط به کودکان نیز براساس حدود سن کودکی در قانون مدنی ایران مشخص شده است و برپایه ماده ۸۰ قانون کار، هیچ کارفرمایی نمی‌تواند افراد زیر پانزده سال را استخدام کند و هر کارفرمایی که از این قانون تخطی کند، به پرداخت جریمه ۲۰۰ تا ۵۰۰ برابر حداقل دستمزد روزانه یک کارگر محکوم خواهد شد. اما اگر کارگری زیر پانزده سال باشد، به صورت عملی نمی‌تواند دعوای خود با کارفرما را در مراجع قانونی ثبت کند و عملا امکان ثبت شکایت برای او وجود ندارد، زیرا به کارگیری کودکان زیر پانزده سال ممنوع است. البته درباره به کارگیری افراد پانزده تا هجده سال نیز شرایط خاصی وجود دارد. برپایه ماده ۸۱ قانون کار، کارگر نوجوان در بدو استخدام باید آزمایش پزشکی بدهد و این آزمایش‌ها سالی یک بار تجدید و مدارک آن در پرونده شخص ثبت می‌شود.

همچنین پزشک درباره تناسب نوع کار با توانایی کارگر نوجوان اظهارنظر می‌کند و چنانچه کار مربوط را نامناسب بداند، کارفرما مکلف است در حد و امکانات خود شغل کارگر را تغییر دهد. در ماده ۸۲ قانون کار نیز ساعات کار روزانه کارگر نوجوان نیم ساعت کمتر از ساعات کار معمولی کارگران است.

براساس ماده ۸۳ قانون کار، ارجاع هر نوع کار اضافی و انجام دادن کار در شب و نیز کارهای سخت، زیان‌آور، خطرناک و حمل بار بیش از حد مجاز و بدون استفاده از وسایل مکانیکی برای کارگر نوجوان ممنوع است و طبق ماده ۸۴، سن فعالیت در مشاغلی که برای سلامتی یا اخلاق کار آموزان و نوجوانان زیان‌آور است، حداقل هجده سال تمام خواهد بود و تشخیص این امر با وزارت تعاون، رفاه و امور اجتماعی است. اما با وجود این که قوانین ایران استخدام افراد زیر پانزده سال را ممنوع اعلام کرده و به کارگیری نوجوانان پانزده تا هجده سال هم به صورت مشروط پذیرفته شده است، همچنان دیده می‌شود که کودکان بسیاری در رده‌های سنی مختلف در بخش‌های متعدد به کار گرفته می‌شوند. دلیل مهم و عمده استفاده از کودکان در مشاغل مختلف عدم نظارت جدی بر شرایط کودکان و محیط‌های کار آنان است، به گونه‌ای که کارفرمایان به راحتی و بدون ترس از قوانین می‌توانند کودکان را به کار بگیرند و خانواده‌ها نیز فرزندان خود را زود هنگام به چرخه کار اجباری می‌فرستند. در صورتی که این کودکان از سوی کارفرما تحت آزار و استثمار قرار گیرند، یا کارفرمایان حقوق آن‌ها را پرداخت نکنند، تصور می‌کنند امکان شکایت و پیگیری قانونی را ندارند، زیرا کار را زیر سن قانونی شروع کرده‌اند.

این وضعیت درباره کودکان اتباع و مهاجر که بدون مجوزهای قانونی در کشور کار می‌کنند نیز وجود دارد و آن‌ها هم به سبب نداشتن مدارک قانونی، در صورتی که با مشکلی مواجه شوند، نمی‌توانند به مراجع قانونی مراجعه کنند.

منع اشتغال کودکان و طرح‌های ناکارآمد

همواره در موضوع مقابله با کار کودک، اقدامات لازم مغفول مانده است و کمتر خانواده‌های آسیب‌پذیر و وضعیت کودکان آنان در اولویت قرار گرفته و در هنگام آسیب به خانواده و ایجاد مشکل برای سرپرست خانواده، کودکان به حال خود رها شده‌اند. در بسیاری از آیین‌نامه‌ها و طرح‌هایی که با هدف ساماندهی ارائه شده این مسئله مورد توجه واقع نشده است، آیین‌نامه ساماندهی کودکان کار و خیابان از آن جمله است که سال ۱۳۸۴ دولت وقت آن را تصویب کرد. طرحی که هدف کلی آن توانمندسازی «کودکان کار» و حمایت از آن‌ها عنوان شد و قرار بود کودکان را از چرخه مشقت زای کار دور کند، اما در مدت پانزده سال به طرح ضربتی دستگیری کودکان کار

> **ابهامات موجود در طرح‌های ساماندهی به نگرانی کودکان کار و خانواده‌های آنان دامن زده است. روایت کودکان از چنین طرح‌هایی اثبات می‌کند، آنان تحت عنوان حمایت اجتماعی، قربانی انواع خشونت‌ها بوده‌اند و حتی در بسیاری از مواقع اشکالی از خشونت‌های جسمی، فیزیکی و روانی علیه آنان اعمال شده است**
>
> **بسیاری از فعالان حوزه کودک بر ناکارآمدی این طرح‌ها اذعان کرده‌اند و مادامی که برنامه جامعی در سطح مدارس و محله‌ها برای حمایت از این کودکان و خانواده‌های آنان وجود نداشته باشد، تقریبا نتیجه مؤثری نخواهد داشت و فقط باعث اتلاف منابع می‌شود**

در خیابان بدل شد.

براساس این آیین‌نامه هر فرد زیر هجده سال که در ساعات نامحدود در خیابان به سربرده به عنوان «کودک خیابانی» شناخته می‌شود و نهادها، سازمان‌ها و دستگاه‌های اجرایی موظف هستند اقدامات لازم از قبیل شناسایی، جذب و پذیرش این کودکان را عملی نمایند و تا رسیدن کودک به فرجام قابل اطمینان از او حمایت کنند.

در این آیین‌نامه تأکید شده است، شناسایی کودکان کار و خیابان باید از سوی مددکاران اجتماعی انجام و نحوه جذب آن‌ها از طریق ارتباط مؤثر مددکار و پس از جلب اعتماد کودک خواهد بود. در اقدام بعدی هم کودکان در مرحله توانمندسازی قرار می‌گیرند، فرآیندی که به دور شدن کودکان از چرخه کار منجر خواهد شد!

آیین‌نامه مذکور، سازمان بهزیستی را متولی اصلی حمایت از کودکان کار می‌داند، اما برای یازده ارگان دولتی وظایفی را مشخص کرده است. به عنوان مثال نیروی انتظامی باید برقراری امنیت در تمامی مراحل اجرایی را برعهده بگیرد و صدور مجوزها و احکام قضائی لازم برعهده وزارت دادگستری است.

تخصیص و تجهیز فضای فیزیکی مناسب جهت اجرای مراحل ساماندهی وظیفه شهرداری‌هاست و ارائه تسهیلات اعتباری اشتغال‌زا به خانواده‌های جویای کار کودکان، تأمین نیازهای بهداشتی و درمانی کودکان، صدور بیمه‌نامه خدمات درمانی، انجام اقدامات فرهنگی لازم، تأمین خدمات حمایتی و انسان‌دوستانه، شناسایی و راهنمایی دانش‌آموزانی که در معرض آسیب هستند و حمایت‌های لازم از خانواده‌های تحت پوشش، وظایفی است که طبق این آیین‌نامه، برعهده وزارتخانه‌های رفاه و بهداشت، سازمان بیمه خدمات درمانی، سازمان تأمین اجتماعی، صدا و سیما، جمعیت هلال احمر، وزارت آموزش و پرورش و کمیته امداد گذاشته شده است.

این آیین‌نامه در چارچوب طرحی که مکتوب شده است، مدافع حقوق کودکان و منافع آن‌هاست، اما دستورالعملی که در صورتی که اجرای اصولی می‌توانست از رنج کودکان کار و یاحتی از شمار آن‌ها بکاهد، در مراحل اجرایی به طرحی ضربتی و شتاب‌زده، بدون پشتوانه اجرایی تبدیل شد که نه تنها از کودکان کار حمایت نکرد، بلکه با خشونت، بدرفتاری، ایجاد ترس و اضطراب به کودکان کار آسیب زد. طرحی که قرار بود با «کار کودک» مبارزه کند به مبارزه علیه «کودکان کار» و تلاش برای حذف آن‌ها از سطح خیابان به هر قیمتی تبدیل شد.

آنچه در خیابان اتفاق می‌افتاد، شناسایی و جذب کودکان کار از سوی مددکاران اجتماعی و جلب اعتماد نبود، بلکه دستگیری کودکان بود. کودکان پس از دستگیری با بدرخوردهای توأم با خشونت و ایجاد ترس و دلهره به اقامتگاه‌های تحت اختیار بهزیستی روانه می‌شدند و بعد از حدود بیست روز دوری از خانواده به شرط این که دیگر در خیابان ظاهر نشوند امکان رهایی می‌یافتند، بدون این که از حمایت و توانمندسازی خبری باشد!

کودکان زیادی در این پروسه آسیب دیدند، برخی از آن‌ها که چاره‌ای جز کار نداشتند و تأمین مخارج خانواده برعهده آن‌ها بود، راهی کارگاه‌های زیرزمینی شدند که مخاطرات به مراتب بیشتری برای آن‌ها در پی داشت و گروهی نیز دستگیر شدند در عملیات تعقیب و گریز از چنگ مأموران بگریزند. طرح ساماندهی کودکان کار و خیابان پس از پانزده سال اجرا و شکست مداوم نه تنها به کاهش شمار کودکان کار منجر نشد، که ناکارآمدی خود را با عدم توانایی برای حمایت اجتماعی از کودکان کار به اثبات رساند. اما سرانجام سال ۱۳۹۹، این طرح شکست خورده کنار گذاشته شد و مسئولان بهزیستی از جایگزینی طرح «حمایت اجتماعی از کودکان کار» سخن گفته و عنوان کردند در این طرح به صورت «خانواده محور» عمل خواهند کرد و یوروسه شناسایی، جذب و حمایت از کودکان کار انجام می‌پذیرد. قرار بود با پشتیبانی پلیس و دستگاه قضا باندهای مافیایی استثمارکودکان کار منهدم و توانایی مالی خانواده‌های این افراد ارتقا یابد.

احمدی صدر، مدیرعامل سازمان خدمات و مشارکت‌های اجتماعی شهرداری تهران در این باره به ایسنا گفت: با جدیت و هم‌افزایی سایر نهادها پیگیر امور هستیم تا در قالب سه برنامه‌ریزی کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت بتوانیم به الگوی منسجم اجرایی دست یابیم، در برنامه‌ریزی کوتاه‌مدت، نخست اقداماتی در زمینه ساماندهی کودکان کار و تغییر چهره شهر انجام می‌شود. البته جمع‌آوری این بچه‌ها از خیابان‌ها را قبول نداریم و بحث ما ساماندهی با محوریت حفظ کرامت این بچه‌ها و استعدادیابی آن‌هاست. تا به امروز ۳۷ مرکز برای حمایت از کودکان کار در تهران راه‌اندازی شده و مرکز استعدادیابی کودکان ایران را راه‌اندازی کردیم تا استعدادهای این کودکان شناسایی شود. طرحی که برای ساماندهی کودکان کار آغاز کردیم، با رویکرد خانواده محوری و اخلاق محوری است؛ یعنی به عبارت ساده‌تر ما می‌دانیم که برخی از کودکانی که سر چهارراه هستند، خانواده دارند و باید به کانون خانواده‌شان انتقال داده شوند. نکته دوم برخورد با کسانی است که این کودکان را استثمار می‌کنند. اعتقاد و کار کارشناسی دوساله ما این است که اگر بخواهیم موفق باشیم باید با سرشبکه‌ها برخورد کرد و هرکس بخواهد مسیری جز این مسیر طی کند، مسیر اشتباهی است و ابتر خواهد ماند. طرح ضربتی جمع‌آوری کودکان کار یک طرح ابتر خواهد بود.

مدیرعامل سازمان خدمات و مشارکت‌های اجتماعی شهرداری تهران در مورد برنامه‌های این مجموعه، با تأکید بر این که رویکردی که انتخاب شده، طرح ضربتی نیست، ادامه داد: «در این برنامه کوچه‌ها و خیابان‌ها ساماندهی خواهد شد و منظورمان این نیست که به خیابان بریزیم و جمع‌آوری کنیم. منظور و هدف‌مان ساماندهی است و در ابتدا نیز به موضوع فرهنگ‌سازی عمومی توجه می‌کنیم تا شهروندان به کسانی که سر چهارراه هستند، کمک نکنند چراکه بستر اقتصادی کف خیابان سبب می‌شود کودکان کار با پشتیبانی سرشبکه‌ها حضور داشته باشند و باعث می‌شود درآمدی که از خیابان‌ها کسب می‌شود حتی دیگران را از سایر شهرستان‌ها و همچنین اتباع را به خیابان‌های تهران جلب کند. بنابراین باید این فرهنگ‌سازی عمومی اتفاق بیافتد و مردم به این نوع افراد کمک نکنند.»

وی در پاسخ به این سؤال که بسیاری از خانواده‌های این کودکان به دلیل مشکلات مالی و تأمین پول، فرزندان خود را سر چهارراه می‌فرستند، برای حل این مشکل چه باید کرد؟ افزود: «اینجاست که باید کمیته امداد، بنیاد مستضعفان، ستاد اجرایی فرمان امام، بنیادهای کارآفرین کشور، وزارت کار و وزارت صمت به میدان بیایند و از خانواده حمایت شغلی کنند. هرگز نمی‌توانیم درآمد بالایی که این کودکان سر چهارراه دارند را تأمین کنیم، ولی به اندازه و مقدورات خودمان باید از خانواده این کودکان حمایت کنیم.»

با این حال ابهامات موجود در این گونه طرح‌ها به نگرانی کودکان کار و خانواده‌های آنان دامن زده است. روایت کودکان از چنین طرح‌هایی اثبات می‌کند، آنان تحت عنوان حمایت اجتماعی، قربانی انواع خشونت‌ها بوده‌اند و حتی در بسیاری از مواقع اشکالی از خشونت‌های جسمی، فیزیکی و روانی علیه آنان اعمال شده است.

بسیاری از فعالان حوزه کودک نیز بر ناکارآمدی این طرح‌ها اذعان کرده‌اند. باید گفت، مادامی که برنامه جامعی در سطح مدارس و محله‌ها برای حمایت از این کودکان و خانواده‌های آنان وجود نداشته باشد، تقریبا نتیجه مؤثری نخواهد داشت و فقط باعث اتلاف منابع می‌شود.

قاسم حسنی، مدیرعامل انجمن حمایت از کودکان کار معتقد است، فعالیت ریشه‌ای در راستای جلوگیری از کار کودکان نیازمند اقدامی چندوجهی است که باید در قالب برنامه‌های کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت پیگیری شوند: «در اولین گام باید عوامل اثرگذار در این زمینه شناسایی و دسته‌بندی شوند؛ بخشی از این عوامل را می‌توان به عنوان عوامل به وجودآورنده فقر یا عوامل به وجودآورنده کار کودک دسته‌بندی کرد. به طور مثال اصلاح نظام بانکداری کشور، اصلاح سازوکار ناظر بر تقسیم ثروت و تلاش برای اصلاح نظام آموزشی و استقرار عدالت آموزشی و دسترسی آسان به آموزش رایگان و با کیفیت برای همه کودکان و ایجاد فرصت‌های متنوع اشتغال برای زنان و ارتقا سطح حضور اجتماعی‌شان برخی اقداماتی است که عدم توجه به آن‌ها می‌تواند سبب گسترش فقر و پیدایش کار کودک شود.»

مدیرعامل انجمن حمایت از کودکان کار در ادامه عنوان کرد: «مشکلات کشاورزان و مواجهه با خشکسالی، سرمازدگی محصولات کشاورزی، بی‌دفاعی کشاورزان در نظام عرضه دلالی و حق‌العمل‌کاری و...، موجب شده تا کشاورزان نتوانند دسترنج واقعی خود را داشته باشند و در مواقعی ناگزیر می‌شوند به حاشیه شهرها کوچ کنند و از یک نیروی تأثیرگذار در چرخه تولید به جمعیت حاشیه‌نشینان شهری بپیوندند و برخی کودکانشان نیز به ناچار راهی بازار کار شوند. بنابراین یکی دیگر از ضرورت‌ها، اهتمام دولت برای بهبود شرایط کشاورزان است که خود می‌تواند سبب بهبود شرایط کودکان بسیاری شود.»

حسنی بر این باور است که توجه همه جانبه و چندوجهی به امر آموزش و عادلانه نظام آموزش رسمی کشور و اصلاح آن هم به لحاظ شکلی و محتوای آموزشی و هم به لحاظ افزایش قابل توجه و معنادار سهم بودجه آموزش و پرورش از بودجه مصوب کشور، موضوع پراهمیت دیگری است که به صورت مستقیم می‌تواند سبب ایجاد دسترسی بیشتر به آموزش برای کودکان لایه‌های فرودست جامعه، افزایش کیفیت آموزش همگانی، کاهش ملموس جمعیت کودکان بازمانده از تحصیل و در نهایت کاهش معنادار جمعیت کودکان کار شود. البته در خصوص برخورداری همه کودکان از آموزش، دولت چهار دهم لازم است به مسئله مهاجرت‌های ثبت نشده و سازمان نیافتگی موضوع مهاجرت به ایران نیز به عنوان یکی از عوامل به وجود آورنده و تشدیدکننده کار کودک توجه و همچنین در کوتاه‌مدت و میان‌مدت برای آن اقدام کند؛ زمانی که کودکان مهاجر از مسیر قانونی وارد کشور شوند طبیعتا با هویتی مشخص وارد می‌شوند، آموزش می‌بینند و شرایط لازم برای دوران کودکی آن‌ها در نظر گرفته می‌شود و این کودکان بابرنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری دولتمردان می‌توانند از حقوق طبیعی شان برخوردار باشند.

راهکارهای اجرایی کاهش کار کودک

تبعیض و نابرابری به فقر هرچه بیشتر کودکان دامن می‌زند و به مسائلی می‌انجامد که برای کشور هزینه‌های زیادی به همراه دارد. بنابراین پیشنهاد می‌شود با مجموعه‌ای از مداخلات سیاستی و حقوقی، تبعیض‌ها رفع و خانواده‌های آسیب‌پذیر و محروم به مشاغل درآمدزا وصل شوند. در این میان سازمان‌های مردم‌نهاد یکی از اهرم‌های بسیار مؤثر برای حمایت از حقوق کودکان و محافظت از آنان در برابر کار و مخاطرات آن به شمار می‌روند اما برای کارایی بهینه، این سازمان‌ها به حمایت‌های حقوقی و قانونی، نیز نیاز دارند. در حوزه حاکمیتی لازم است به شیوه‌های مختلف از آنان حمایت شود، زیرا آن‌ها از معدود نهادهایی هستند که توانسته‌اند با گردهم آوردن شهروندان، زمینه حمایت‌های مؤثر از کودکان کار و خانواده‌هایشان را فراهم کنند. همچنین لازم است وزارت کشور با استفاده از سازوکارهای مختلف، به ویژه آموزش، این سازمان‌ها را به سمت توانمندسازی کودکان کار سوق دهد و مجلس قانون این سازمان‌ها را تدوین و تصویب کند.

تعدادی از کودکان به دلیل بدسرپرستی یا بی‌سرپرستی و مسائل ناشی از آن، از جمله فقر، وارد چرخه کار می‌شوند، سازمان‌های دولتی و حاکمیتی، مانند بهزیستی و کمیته امداد، باید این کودکان را شناسایی و از آنان تا زمانی که به لحاظ اقتصادی توانمند شوند حمایت نمایند و زمینه‌های سرپرستی آنان را از سوی کسانی که برای قبول سرپرستی این کودکان تمایل نشان می‌دهند فراهم کنند. برای مثال امروزه تقاضا برای داشتن فرزند از طریق مادر جایگزین افزایش یافته، در حالی که می‌توان با استفاده از برخی طرح‌ها و سازوکارها این خانواده‌ها را به فرزندخواندگی کودکان کار مجاب کرد، چراکه بی‌توجهی و نادیده گرفتن این کودکان باعث نهادینه شدن خشمی پنهان در ناخودآگاه آن‌ها خواهد شد که به هنگام بزرگسالی موجب بروز بسیاری از ناهنجاری‌ها در جامعه می‌شود و سلامت اجتماعی را به مخاطره می‌اندازد.

پی‌نوشت: بخش‌هایی از این متن در مجله علمی رویکردهای پژوهشی در علوم اجتماعی منتشرشده است.

رصد بیماری‌های حاد تنفسی در کشور

رئیس مرکز مدیریت بیماری‌های واگیر وزارت بهداشت ضمن تأکید بر لزوم رعایت پروتکل‌های بهداشتی در فصل سرما و پیشگیری از بروز بیماری‌های تنفسی، گفت: براساس داده‌های نظام مراقبت دیده‌ور، با توجه به شروع فصل سرد سال و سیر طبیعی افزایش بروز بیماری‌های حاد تنفسی، بیماری‌های کرونا و آنفلوآنزا با شیب ملایم در حال افزایش است.

دکتر قباد مرادی در گفت‌وگو با ایسنا، با بیان این که بیماری‌های حاد تنفسی به طور معمول با علائم مشابه شامل تب، بدن درد، گلودرد، سرفه و... بروز می‌کنند، اظهار کرد: تشخیص قطعی این بیماری‌ها در صورت انجام آزمایش امکان‌پذیر است. بنابراین، رصد روند وضعیت بیماری‌های حاد تنفسی در کشور از طریق نظام مراقبت خاصی به نام «نظام مراقبت دیده‌ور» در پایگاه‌های منتخب دیده‌بان انجام می‌شود. براساس داده‌های این نظام مراقبت، در حال حاضر با توجه به شروع فصل سرد سال و سیر طبیعی افزایش بروز بیماری‌های حاد تنفسی، بیماری‌های کرونا و آنفلوآنزا با شیب ملایم در حال افزایش است و براین اساس، بحث ورود به پیک و موج، فعلا مطرح نیست. وی درباره روند وضعیت آنفلوآنزا و پیک‌های این بیماری توضیح داد: به منظور بررسی روند آنفلوآنزا، فعالیت بیماری آنفلوآنزا به طور هفتگی در کشور و جهان رصد می‌شود. براساس تجربه تا قبل از پاندمی کووید-۱۹، موج آنفلوآنزا در آبان ماه شروع می‌شد. در زمان پاندمی کووید-۱۹ به علت رعایت پروتکل‌های بهداشتی توسط مردم مانند استفاده از ماسک و جداسازی اجتماعی و همچنین افزایش فعالیت سایر ویروس‌های تنفسی (کووید-۱۹)، میزان بروز آنفلوآنزا در جهان و همچنین کشور ما کاهش یافت و پس از پاندمی، طبیعتا به تدریج میزان بروز آنفلوآنزا افزایش یافته و به سطح قبل از پاندمی کووید-۱۹ بازگشته است. رئیس مرکز مدیریت بیماری‌های واگیر وزارت بهداشت ادامه داد: سال گذشته، فعالیت آنفلوآنزا در برخی کشورها مانند استرالیا و ایران زودتر از زمان معمول آن که معمولا مهرماه است، افزایش یافت و در آبان ماه ۱۴۰۲ با پیک این بیماری مواجه شدیم و سپس در بهمن ۱۴۰۲ موج کوچک‌تری از بیماری رخ داد و پس از آن، روندی نزولی را طی کرد.

وی همچنین با اشاره به تعطیلات نوروزی و افزایش سفرها خاطرنشان کرد: البته با توجه به سفرهای نوروزی و سردی هوا در برخی مناطق کشور، معمولا فعالیت این بیماری در سطح پایینی تا اردیبهشت ماه ادامه می‌یابد و سپس به حد پایه بازمی‌گردد.

مرادی بابیان این که بنابراین از ابتدای سال جاری تاکنون هنوز وارد موج آنفلوآنزا نشده‌ایم، توضیح داد: به تدریج انتظار می‌رود در فصل پاییز و زمستان، با افزایش موارد بیماری آنفلوآنزا مواجه شویم. وی درباره هم‌پوشانی ویروس آنفلوآنزا با ویروس‌های در گردش از خانواده اُمیکرون کرونا گفت: هم‌پوشانی و فعالیت ویروس‌های کووید-۱۹ (خانواده اُمیکرون) با ویروس آنفلوآنزا، به جهت تحمیل بار مضاعف به سیستم بهداشتی درمانی کشور از اهمیت بالایی برخوردار است. در حال حاضر، فعالیت ویروس کرونا (خانواده اُمیکرون) در جهان و کشور، غالب و بیشتر از آنفلوآنزا است. درمجموع به منظور بررسی و رصد ویروس‌های تنفسی در گردش، سیستم نظام مراقبت ۲۱ پاتوژن تنفسی در گردش در کشور در جریان است.

میزخبر

وزیر بهداشت اعلام کرد:

افزایش حقوق دستیاران پزشکی از مهرماه

وزیر بهداشت از افزایش حقوق دستیاران و کارورزان پزشکی از ابتدای مهرماه سال جاری خبر داد. به گزارش ایسنا، دکتر محمدرضا ظفرقندی درباره افزایش حقوق دستیاران و کارورزان پزشکی گفت: افزایش حقوق دستیاران و کارورزان پزشکی متأهل نسبت به مجردها بیشتر است. پس از افزایش حقوق دستیاران و کارورزان، حقوق این افراد در برخی از رشته‌های تخصصی و فوق‌تخصصی به ۲۵ میلیون تومان رسیده است. افزایش حقوق کنونی دستیاران و کارورزان پزشکی، یک افزایش قابل توجه است. وی درباره وضعیت اضافه‌حقوق دستیاران و کارورزان پزشکی مجرد گفت: دریافتی دستیاران پزشکی با افزایش حقوق، حدود ۱۹ میلیون تومان است. همچنین دریافتی کارورزان مجرد نیز حدود ۳۰ تا ۴۰ درصد افزایش یافته است. ظفرقندی در پایان گفت: افزایش ۳۰ تا ۴۰ درصدی حقوق کارورزان پزشکی منوط به تأهل یا مجرد بودن آن‌هاست.

تغییر شرایط تخصیص سهمیه سوخت ناوگان دیزلی شهری

مدیرکل دفتر حمل‌ونقل عمومی و ترافیک شهری سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور به الزامات جدید فعالیت رانندگان ناوگان حمل‌ونقل بار و مسافر دیزلی شهری و نحوه تخصیص سهمیه سوخت این ناوگان اشاره کرد و گفت: از این پس رانندگان این ناوگان باید در همان شهری فعالیت کنند که پروانه فعالیت آن‌ها صادر شده است.

بابایی‌زاده در گفت‌وگو با ایسنا، با اشاره به مصوبات سال ۱۳۹۳ و ۱۳۹۴ و ۱۴۰۲ هیئت وزیران درباره تکالیف وزارت نفت، کشور، راه و شهرسازی و صمت برای نحوه پایش پیمایش ناوگان درون و برون‌شهری و صحت‌سنجی اطلاعات پیمایش ناوگان دیزلی، در خصوص تمهیدات جدید ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز کشور برای اصلاح نحوه تخصیص سهمیه سوخت ناوگان دیزلی شهری در کشور، اظهار کرد: طبق مصوبات دولت قرار بود تا سهمیه سوخت ناوگان دیزلی براساس پایش پیمایش آن‌ها و تجهیز ناوگان به سامانه موقعیت‌یاب با تأمین مالی آن توسط وزارت نفت صورت گیرد. این در حالی است که این تعهدات از سوی مجموعه‌های ذیل وزارت نفت تاکنون اجرایی نشده است. وی با بیان این که بعد از ۹ سال از تصویب اولین مصوبه از مصوبات هیئت وزیران، وزارت نفت در شهریورماه ۱۴۰۲ از طریق شرکت بهینه‌سازی مصرف سوخت نسبت به اخذ مصوبه شورای اقتصاد اقدام کرد تا براساس آن با سرمایه‌گذاری بخش خصوصی، تجهیز ناوگان به سامانه موقعیت‌یاب را برای تمام ناوگان حمل‌ونقل دیزلی شهری اجرایی کند، افزود: وزارت کشور در این زمینه برای رفع مشکل تخصیص سوخت ناوگان دیزلی اقدامات قابل توجهی داشته است. بابایی‌زاده درباره این اقدامات گفت: از حدود ۵ سال گذشته سامانه جامع حمل‌ونقل شهری کشور و مدیریت سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور راه‌اندازی شد که تاکنون حدود ۳۲۰ هزار دستگاه ناوگان دیزلی در آن ساماندهی شده‌اند و از این تعداد بالغ بر ۱۵ هزار دستگاه اتوبوس و ۳۵ هزار دستگاه مینی‌بوس و مابقی نیز از مجموعه ناوگان باری هستند. همچنین وزارت کشور با اجرای آزمایشی طرح سپیاد (سامانه یکپارچه پایش پیمایش درون‌شهری)، شهرداری‌های کشور را به رصد عملکرد ناوگان ترغیب کرد. وی به اقدام شهرداری‌ها برای مجهز کردن ناوگان حمل‌ونقل بار و مسافر دیزلی اشاره کرد و بابیان این که وزارت کشور با جدیت برای مبارزه با قاچاق سوخت اقدامات مهمی را در این زمینه انجام داده، از اختصاص اعتبارات سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور، شهرداری‌ها و خود رانندگان و شرکت‌های بخش خصوصی برای مجهز کردن ناوگان حمل‌ونقل دیزلی به سامانه موقعیت‌یاب (علی‌رغم عدم تحقق تعهدات مالی وزارت نفت در این زمینه) خبر داد.

مدیرکل دفتر حمل‌ونقل عمومی و ترافیک شهری سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور گفت: سازمان شهرداری‌ها همچنین از حدود ۳۲۰ هزار دستگاه ناوگان دیزلی، بیش از ۸۵ هزار دستگاه را طی همین سه سال اخیر به سامانه مذکور مجهز کرده است که هم اکنون سوخت آن‌ها براین مبنا تخصیص می‌یابد.